

# حقیقت اسلام

میمن

تقوی

خدا

مجله

## دانش آموز

شماره هفتم - اردیبهشت ماه ۱۳۳۱

پروردگارا ، از لقا آت و  
وسوسه های شیطان بتو پناه  
میبریم .  
خداوندا ، ایمان و تقوی را  
در مسلمانان روز افزون کن  
و آنها را از تاریکیهای کفر  
و تفاق برهان .

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

دستگاه مطبعی

بقیه از شماره پیش

شخصیت منافق ، جمعیت خطرناک حوزه اسلام آیه > ۸ - ۱۶ « و مِنَ النَّاسِ  
مَنْ يَقُولُ آمَنَّا بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَهُمْ بِمُؤْمِنِينَ - تَا - وَ مَا كَانُوا مَهْتَدِينَ .  
بعضی از مردمنده که میگویند بخداوند و روز دیگر ایمان  
آوردیم با آنکه مردمی نیستند که ایمان آورند ،  
میخواهند خدا و کسانی که ایمان آورده اند بفریبند با آنکه  
فقط خود را می فریبند و مستشعر نیستند ،  
در دلهاشان مرض جایگزین شده بس خداوند مرضشانرا فزوده و برای  
آنها عذاب دردناک است بسبب آنکه چنین اند که همی تکذیب میکنند ،

چون بآنان گفته شود در زمین فساد نکنید گویند ما فقط مصلح هستیم آگاه باشید که فقط و فقط همین ها مفسدند ولی شعور ندارند ،

و چون بآنها گفته شود ایمان آرید چنانکه دیگر مردم ایمان آوردند گویند آیا ایمان آوریم چنانکه مردم سقیه ایمان آوردند آگاه باشید که سقیه فقط این مردمند ولی خود نمیدانند ، چون کسانی را که ایمان آورده اند ملاقات کنند گویند ایمان آورده ایم و چون بسوی شیطانهای خود رفته خلوت کنند گویند ما با شما ایم فقط ما استهزا کننده ایم . خداوند آنها را استهزاء میکند و آنها را کمک و پشتیبانی می نماید که در سرکشی و طغیان خود همی سرگشته و حیران باشند ،

همین ها هستند کسانی که با کوشش خود گمراهی را بعوض هدایت خریده پس این تجارت برایشان سودی نکرد و به هیچ سعادت و حقیقتی راه نیافتند ،

### تفسیر و مقاصد آیات

این دسته سوم و حال آنها است نسبت بوحی و نبوت که نه چون جمعیت اول پس از تابش نور قرآن توانسته اند خود را از تاریکیها رهانند و -

بها داری او ذره صفت رقص کنان تالب چشمه خورشید درخشان بروند .

و نه چون دسته دوم فطرت پی جوئی کمال وحس بخاطر در آنها ختم شده ، بلکه نور کم فروغی گاه برای آنها روشنی میدهد ولی در مقابل هواها و شهوات دوا می ندارد ، و قوای چنین شخصیت تجزیه شده و چون قوای شخص متقی هم آهنگ نیستند که در تحت نور ایمان و فرمان عقل درخشنده رو بکمال روند و گاه بواسطه تجزیه و تقویت از قوای مختلف نفسشان ، محوطه ای می شود که در آن جانوران مختلف زیست میکنند یا پیکره ایست که دارای سرهای متعدد است از انسان ، شیر ، روباه ، خوک ، بوزینه ، که هر کدام در موقع مقتضی و محیط مناسب سر بیرون آورده و دیگرانرا تحت نفوذ قرار میدهد . گاه انسانیت که در حقیقت سعادت و شقاوت سخن میراند و میخواهد راه رستگاری و کمال انسانرا رسیده گی کند و در مطالب عقلی صرف بحث کرده نتیجه اخذ کند ، گاه در موقع بر خورد بچیزیکه بحیثیت و شرف و همیش لطمه زند نسبت بضعیف چون شیر غضب میکند و برافروخته میشود و نمره های مهیب میزند و گاه نسبت بقوی چون روباه متملق است و خود را کوچک میکند و چشم های خود را با حال شکسته گی و فروتنی بقوی دوخته از او استرحام می نماید ، گاه چون خوک مستغرق در شهوت است و بهر طعمه نجس و حرامی پوزه میدواند ، گاه در حال خوشی و نه بودن محرك های قوای دیگر بوزینه بیدان آمده بسخره گی و اکثری می پردازد و باستهزاء بشوامیس دین و حقایق وحی و تأویل آنها میخواهد راه برای فعالیت جانوران دیگر باز کند (۱)

(۱) سوره مائده آیه ۶۰ و صف این مردم است ( وجعل منهم الفردة و الغنازیر و عبد الطاغوت ) یعنی از سرشت همین مردم قرار داد بوزینه کان و خوکان و بنده سرکشانرا .

خلاصه آنکه با هر محیط و موقعیت و جمعیتی روئی دارند و قرآن آن روی این مردمراکه با حوزه اسلام دارند بیان میکند ، چون بمؤمنین رسند دعوی ایمان کنند با آنکه با این نفسیت کجا که ایمان آورند .

در این اظهار میخواهند خدا و رسولرا راضی کنند که تأمین زندگی کرده و خاطر خود را از طرف آنها آسوده دارند پس درحقیقت خدا و رسولرا میخواهند بفریبند و در همان حال خود را می فریبند که عقل و استعداد ایمانشان رو بضعف و تجزیه قوی شان رو بفزونی است برای اشعار باین حقیقت به ( یخادعون ) که مفاعله و کار طرفین است تعبیر شده سپس باین حقیقت تصریح کرده ولی چون درک این حقیقت نفسانی دقیق است در آخر فرمود که خود شعور ( ادراك دقیق ) بآن ندارند .

از جهت آشفته گی و از میان رفتن تعادل در نفسشان مرض جایگزین شده پس بناموس استکمال خداوند مرضشانرا می افزاید و همیشه مبتلا بدرزند ، از جهت این ساخت و سازها و رو های گوناگون چون همه را راضی نگاه میدارند باشتباه دچار شده گمان میکنند خود مصلح و صاحبان عقل و سیاستند و جمعیت اهل ایمان را که نظر برضایت حق دارند نه خوشنودی مردم و جمعیتها ، سفیه میدانند .

قرآن باکلمه ( آلا ) که برای تنبیه است اعلان میکند که فقط همین ها مفسد و سفیهند و حوزه ایمان باید دست این ها را از هر تصرف کوتاه کند ( ۱ ) ، چون بهمین زندگی چند روئی و استهزا بنوامیس دل خوش و سرگرمند چنانکه هیچ تذکری آنها را باز نمیدارد خداوند هم میدان را چند روزی برای شان باز کرده ، شاید سرشان بسنگ آید ، شاید حوادث بیدارشان کند ، شاید ظاهر شدن آثار مرگ بخودشان آرد ، آه ،

صداها چراغ دارد و بی راهه میرود بگذار تا بیفتد و بیند جزای خویش

اگر بیدار نشدند باید بجانشان گریست ، ظاهره تأثر و حزن از آیه نمایان است این همه سرمایه این همه چراغ فروزان هدایت نتیجه کوشششان چه شده؟ همه این سرمایه هارا دادند و گمراهی را خریدند در آخر کار نه بآرزو های خود رسیدند و نه روزنه نوری برای شان باز است چشم از دنیا پوشیده لاشه بدن شان زیر خاک پنهان شد .

( ۱ ) یکسوره مستقل در قرآن باسم مناققین و رسیده گی شخصیت و غلامت وصفات آنها است که مسلمانان در رکعت دوم نماز رسمی اجتماعی خود که جمعه است باید هر هفته تذکر شوند تا همیشه بیدار این عنصر خطرناک باشند ( چنانکه در رکعت اول در سوره جمعه تذکر بعنصر خطرناک یهودی مسلک مال پرستی است که همه چیز را فدای مال می نماید ) چه اگر چنین جمعیتی از راه لباس دین و یا قلم و زبان توانستند در توده نفوذ کرده و آنها را بخود متوجه کنند جمعیت را فلج کرده از هر کمالی می اندازند و زمان ها میگذرد و ملت ها پیش میروند و چنین جمعیت بجای خود ایستاده یا عقب میروند .